

# تجارت بین الملل و کاهش فقر\*

جفری جی. بانیستر و کامانو تاج  
ترجمه الهام میرنهامی

(لسانس زبان، پژوهشکده امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی)

## اثرات آزادسازی

آزادسازی تجاری می‌تواند بر رفاه مردم فقیر تاثیر بگذارد: ۱. تغییر قیمت‌های کالاهای تجاری و دسترسی بهتر و آسان‌تر به تولیدات جدید، ۲. تغییر دستمزدهای نسبی کارگران ماهر و غیر ماهر و هزینه سرمایه، در نتیجه تاثیر روی اشتغال افراد فقیر، ۳. تحت تاثیر قرارداد عواید دولت ناشی از مالیات‌های تجاری و بنابراین توانایی دولت برای تامین مالی برنامه‌هایی برای افراد فقیر، ۴. تغییر انگیزه برای سرمایه‌گذاری و نوآوری‌ها و همچنین تاثیر بر رشد اقتصادی و ۵. تاثیر بر میزان آسیب‌پذیری اقتصاد در برابر شوک‌های خارجی منفی.

## قیمت‌ها و میزان دسترسی به تولیدات

آزادسازی تجاری به افراد فقیر کمک می‌کند به همان روشی که آن به سایرین کمک می‌کند، از طریق کاهش قیمت‌های واردات، پایین نگه داشتن سطح قیمت کالاهای جانشین برای کالاهای وارداتی و همچنین افزایش درآمد واقعی مردم. تولیدات وارداتی از قبیل مواد غذایی ضروری، فرآورده‌های دارویی و سایر تولیدات ضروری بهداشت یا پزشکی و همچنین پوشاک مورد نیاز، برای افراد فقیر اهمیت ویژه‌ای دارند. همچنین ممکن است افراد فقیر به طور قابل ملاحظه‌ای از حذف مالیات‌ها یا تحرکات صادراتی منافی کسب کنند، بسته به اینکه تولیدکنندگان نهایی صادرات باشند (این مهم اغلب در کشاورزی واقعیت پیدا می‌کند). نظام تجارت آزاد، واردات فن‌آوری‌ها و فرآیندی را که می‌توانند به افراد فقیر کمک کنند، مجاز می‌داند. برای مثال، بسته بندی مواد غذایی فاسد شدنی که کاری است سبک و نیاز به منجمدسازی ندارد، مواد شیمیایی. برای استرلیزه کردن آب، اصلاح بذر و نباتات و همچنین کودهای شیمیایی یک مثال بارز برای بیان منافع ناشی از آزادسازی تجاری، کنفرانس سران کشور آفریقا است که در آوریل ۲۰۰۰ به منظور ریشه کنی بیماری مالاریا تشکیل شد. در این اجلاس سران کشورهای قاره آفریقا متعهد شدند تا مالیات‌ها و تعرفه‌ها را برای واردات کالاها و خدماتی چون پشه بند، حشره کش، داروهای ضد مالاریا و سایر کالاها و خدمات مورد نیاز برای کنترل بیماری مالاریا کاهش داده و یا لغو کنند.

این مقاله ضمن بررسی آثار مثبت و منفی آزادسازی تجاری بر فقر، راهکارهای حداقل سازی آثار منفی این سیاست را به بحث گذاشته است.

آزادسازی تجاری چگونه بر زندگی افراد فقیر تاثیر می‌گذارد؟ از آن‌ها چگونه می‌توان در برابر آثار کوتاه مدت منفی این فرآیند حمایت کرد؟

اصلاحات تجاری قسمتی از مجموعه سیاست‌هایی هستند که برای افزایش کارایی اقتصاد، توسعه بازارهای جدید و رشد اقتصادی استفاده می‌شوند. شاید جالب است بدانید که، حتی بعد از گذشت ۵۰ سال از مذاکرات تجاری، هنوز تعرفه‌های حمایتی قابل ملاحظه‌ای در اقتصاد جهانی وجود دارد. همچنین فرصت برای دست یابی به منافع بیشتر زمانی که این تعرفه‌های حمایتی کنار گذاشته شوند. تعرفه‌های حمایتی همچنان به قوت خود باقی هستند، زیرا آن یک روش مفید و غیر شفاف برای دولت‌هایی است که می‌خواهند منافع اقتصادی را به سمت گروه‌های خاص هدایت کنند. هرچند آزادسازی تجاری باعث افزایش متوسط استاندارد زندگی در میانه مدت می‌شود. اما گروه‌هایی که در سایه حمایت این فرآیند هستند، می‌بینند که درآمدشان کاهش می‌یابد و در کل تغییر ساختار اقتصاد در کوتاه مدت ممکن است باعث بروز اختلال اقتصادی شود. البته شایان توجه است که برخی از آن افرادی که از اصلاحات تجاری زبان می‌بینند، ممکن است از فقیرترین اعضای جامعه باشند یعنی کسانی

که حتی برای حمایت از خودشان در طی دوران سخت زندگی از کمترین دارایی‌ها برخوردار هستند. بنابراین توانایی آن‌ها برای جذب هزینه‌های تعدیل نسبت به سایر همشهریان کمتر است. حتی یک زبان و صدمه موقتی در درآمد افراد فقیر باعث می‌شود تا آن‌ها فرصت‌های خود را برای کسب سرمایه‌های انسانی مثل تحصیل، بهداشت و تغذیه بهتر، از دست بدهند و به این ترتیب شانس آن‌ها برای گریز از فقر کاهش می‌یابد. آسیب‌پذیری افراد فقیر دلیل موجهی برای بررسی دقیق‌تر اثرات آزادسازی تجاری است و این مهم که آیا این فرآیند می‌تواند به گونه‌ای طرح ریزی شود تا اثرات منفی آن به حداقل برسد.



همچنین شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه آزادسازی واردات پوشاک مورد نیاز می‌تواند رفاه افراد فقیر را بهبود بخشد.

## دستمزدها و اشتغال

نظریه تجارت پیش بینی می‌کند که چگونه آزادسازی تجاری بر دستمزدها و اشتغال تحت شرایط بسیار خاص تاثیر می‌گذارد. در عمل، این شرایط اغلب به وجود نمی‌آیند و برای یک تحلیل کلی‌تر، ما مجبور هستیم تا بر مطالعات تجربی تکیه کنیم. در این مطالعات حداقل دو عامل نمایان هستند که به طور مستقیم بر شیوه تغییر دستمزدها و اشتغال افراد فقیر توسط فرآیند آزادسازی تاثیر می‌گذارند. اول اینکه انعطاف پذیری بازار کار چقدر است و آیا این مهم می‌تواند تعدیل اثرات ناشی از اصلاحات تجاری را به صورت تغییر در اشتغال یا دستمزدها تعیین کند. اگر بنگاه‌ها با مقررات کار ناشی از کاهش نیروی کارشان محدود شوند، در این صورت بیشترین تعدیل برای تغییر قیمت‌های نسبی تولیدات در تغییر دستمزدهای واقعی منعکس خواهد شد. اگر حداقل مقررات دستمزد از تعدیل نزولی در دستمزدها ممانعت کند، اما تحرک کار بالا باشد، بنابراین تعدیل از طریق تغییر در اشتغال صورت خواهد پذیرفت. در بخش‌های روستایی و بخش‌های غیر رسمی شهری، بخشی از یک اقتصاد است که فعالیت‌های تجاری آن در ادارات دولتی به ثبت نرسیده‌اند. و با شرکت‌های دولتی هماهنگی ندارند. کشورهای در حال توسعه که مردم فقیر در آنجا زندگی می‌کنند، بازارهای کار معمولاً از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردار هستند و کسب‌های بالایی عرضه برای کار مشخصه این بازارهاست. احتیاجات ضروری برای امرار معاش شهری و روستایی یا بهترین فرصت‌های شغلی بعدی (در نقطه دوم بهینه)<sup>(۱)</sup> که قابل دسترسی نیز هستند، می‌توانند معمولاً دستمزدها را تعیین کنند. بنابراین ما می‌توانیم انتظار داشته باشیم که تعدیل شوک‌های تجاری عمدتاً از طریق تغییر در اشتغال به وجود می‌آیند در این مورد، ممکن است هزینه‌های اصلاح تجاری برای افراد فقیر زیاد باشد و در نتیجه کمک و همکاری دولت برای تعدیل اثرات آن‌ها مورد نیاز است. دوم اینکه، الگوی اولیه تعرفه‌های حمایت بر افرادی که سود می‌برند و افرادی که زیان می‌بینند زمانی که این حمایت حذف می‌شود، تاثیر عمده‌ای دارد. اگر این الگو از کارگران غیر ماهر در کشاورزی و صنایع سبک حمایت کند (این واقعه در اوایل دهه ۱۹۸۰ در مکزیک به وقوع پیوست)، بنابراین انتظار می‌رود که حذف تعرفه حمایتی می‌تواند دستمزدهای نسبی بخش‌های نیروی کار را کاهش دهد.

## درآمدهای دولت و برنامه ریزی برای افراد فقیر

نگرانی کلی که وجود دارد این است که احتمالاً اصلاحات تجاری به کاهش درآمدهای دولت منجر می‌شود. برای مثال، به دلیل کاهش مالیات‌های تجاری در این راستا دولت سعی می‌کند تا برای جبران این کاهش و به منظور حفظ ثبات اقتصاد کلان، هزینه‌های اجتماعی را متوقف و یا مالیات‌های جدیدی اعمال کند که هر یک از این عوامل به نوبه خود می‌توانند تاثیر نامطلوبی بر افراد فقیر بگذارند. بنابراین، جایگزینی موانع غیر تعرفه‌ای با تعرفه‌ها و حذف معافیت‌های تعرفه‌ای در مراحل اولیه آزادسازی تجاری باعث افزایش درآمدهای دولتی می‌شود. همینطور، اگر تعرفه‌های اولیه به طور سرسام‌آوری بالا باشند، کاهش آن‌ها می‌تواند منجر به افزایش جریان‌های تجاری شود که این امر خود باعث افزایش درآمدها خواهد شد. کاهش میزان بالای تعرفه در مقابل انگیزه قاچاق و رشوه خواری را نیز کاهش می‌دهد و همچنین می‌تواند حجم کالاهای

ثبت شده در گمرک و در نتیجه درآمدها را افزایش دهد. در نهایت، ساده کردن نظام تعرفه به منظور ایجاد یک ساختار متحدالشکل‌تر، با تعداد اندکی میزان تعرفه، می‌تواند از طریق افزایش شفافیت و سهولت اجرای مالیات‌ها، درآمد مالی را افزایش دهد. در این حالت، اصلاح مالیات داخلی (به طور خاص معرفی مالیات‌هایی بامبنای گسترده‌تر و ساختاری که کمتر مورد تحریف و تغییر شکل قرار گیرد) یا محدودیت هزینه که ممکن است برای حفظ ثبات اقتصاد کلان مورد نیاز باشد باید به گونه‌ای طرح ریزی شوند تا اثرات نامطلوب شان بر افراد فقیر به حداقل برسد.

## سرمایه‌گذاری، نوآوری و رشد

یک مساله حائز اهمیت در کاهش فقر ریشه دار در کشورها این است که آیا کشوری که در حال تجربه و بررسی رشد مسلم اقتصادی است، به گونه‌ای عمل می‌کند تا، افراد فقیر هم بتوانند در این روند رشد، مشارکت داشته باشند.

یکی از مهمترین شیوه‌هایی که اصلاحات تجاری از طریق آن می‌توانند بر رشد تاثیر گذارند، کاهش تورش ضد صادرات سیاست تجاری و هدایت آن به سمت تخصیص بسیار موثر منابع است. بنابراین، این مهم در کارایی تخصیصی یک مزیت پیشینه دارد و لزوماً روی میزان رشد بلندمدت اقتصادی تاثیر نمی‌گذارد. آزادسازی تجاری با ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری می‌تواند در بلندمدت بر میزان رشد اقتصادی تاثیر بگذارد. به علاوه، اصلاحات تجاری معمولاً با پذیرش فن‌آوری‌های پیشرفته و فعالیت‌های تجاری جدید، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را تشویق می‌کنند تا به این طریق بهره‌وری کل و رشد بنگاه‌های داخلی افزایش یابند. تحقیق تجربی اخیر (برای مثال، رادریگوز و رودریک ۱۹۹۹) نشان می‌دهد که رابطه میان آزادسازی تجاری و رشد قابل فهم نیست. به طور خاص، اثرات اصلاحات تجاری روی رشد به مواردی چون سیاست‌های تکمیلی اقتصاد کلان، سیاست‌های ساختاری و همچنین ایجاد موسسات مناسب بستگی دارند. برای مثال، در تحقیق بین کشوری متغیری که پیوسته با میزان رشد مرتبط می‌باشد، جایزه بازار موازی روی معاملات ارزی (میزان ارز) است.

این نشان می‌دهد که ارزش گذاری بیش از حد میزان ارز ممکن است عامل بازدارنده مهمی برای رشد به شمار آید. مفهوم این عبارت این است که تعهد اجرایی اصلاحات تجاری بدون اجرای سیاست‌های مناسب اقتصاد کلان و میزان ارز (اصلاح رقابت جویی) در افزایش رشد اقتصادی کشور کمتر موثر خواهد بود. بنابراین اگر اصلاحات تجاری و سایر معیارهای ساختاری در ترویج و تشویق تعدیل و رشد موفق باشند، وجود مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی کامل و سازگار ضروری است. حتی زمانی که آزادسازی منجر به رشد شود، یک نگرانی کلی که اغلب به وجود می‌آید این است که سیاست‌های تجارت باز ممکن است منجر به یک الگوی رشد شود و این الگو ممکن است به طرز نامناسبی باعث منفعت افراد ثروتمند و در نتیجه بدتر شدن توزیع درآمد کشور شود. شواهد اخیر ناشی از تحقیقات دلاروکرای، سال ۲۰۰۱، هرگونه شک و شبهه‌ای را از این برآورد برطرف می‌کند.

## آسیب پذیری در برابر شوک‌های خارجی منفی

آزادسازی تجاری باعث بیشتر باز شدن یک اقتصاد می‌شود و به این ترتیب ادغام اقتصادی‌اش با سایر کشورهای جهان بسط و توسعه می‌یابد. در بیشتر موارد، این مهم به سیستم اقتصادی یک کشور کمک می‌کند تا

مطابق با مزایای نسبی اش به صادرات اش تنوع بخشد و کمتر به بازارها یا تولیدات منفرد صادراتی وابسته شود. به علاوه، ادغام با بازارهای خارجی به اقتصاد کمک می کند تا کمتر به بازار داخلی وابسته شود، بنابراین رکوتهای اقتصادی داخلی می توانند با رشد اقتصاد بین الملل جبران و تعدیل شوند. آزادسازی ممکن است همچنین آسیب پذیری اقتصاد را در برابر شوک های خارجی مانند تغییرات ناگهانی در روابط مبادله بیشتر کند، که این امر می تواند به طرز معنی داری رشد را کاهش دهد. اگر شوک ها به طور مستقیم بر بخش های خاص مانند کشاورزی یا بخش تولیدی غیر رسمی تاثیر بگذارند، در این صورت می توانند اثرات قابل ملاحظه ای بر افراد فقیر داشته باشند.

### یافته هایی از مطالعات تجربی

به دلیل پیچیدگی روابط میان اصلاحات تجاری و فقر شواهد تجربی روی آزادسازی تجاری و فقر، بیشتر پیرامون مطالعات موردی، محدود هستند. برخی مطالعات از الگوهای تعادل عمومی قابل محاسبه (CGE) (۲) برای بررسی اثرات اصلاحات تجاری بر افراد فقیر استفاده می کنند. در سال ۲۰۰۰ وینترز در موسسه آکسفورد مطالعات توسعه ای (۳) پیرامون آزادسازی بازار پنبه در زیمبابوه طی دهه های ۸۰ و ۹۰ گزارشی ارائه کرد. وی در این گزارش اثرات بالقوه آزادسازی را روی افراد فقیر بیان می کند.

قبل از آزادسازی، دولت انحصارگر خرید پنبه از کشاورزان بود (یک انحصارگر خرید، یگانه با فروشندگان بسیاری مواجه می شود) و از قیمت های تولیدی پایین برای یارانه دادن به عوامل تولید در صنعت نساجی استفاده می کرد. در نتیجه، این امر باعث کاهش درآمدهای مزرعه داران کوچک و فقیر می شد. در کل فرآیند آزادسازی، حذف کنترل های قیمتی و خصوصی سازی هیات های بازاریابی را در برمی گیرد. نتیجه این عمل بالا رفتن قیمت ها و افزایش رقابت میان سه خریدار اصلی، نه تنها در قیمت بلکه همچنین در ارائه خدمات ممتد و عوامل تولید به زمین داران کوچک است. در زامبیا، آزادسازی بازار ذرت نتایج معکوسی داشت. قبل از آزادسازی، تولیدکنندگان ذرت از یارانه متقابل بهره می گرفتند که میزان این یارانه توسط بخش معدن تامین می شد. این امر کاهش قابل ملاحظه ای در هزینه عوامل تولید ایجاد می کرد. به علاوه، بنگاه های نیمه دولتی ۴ که به عنوان انحصارگران خرید عمل می کردند به تولیدکنندگان کوچک در مناطق دور به طور تلویحی یارانه قیمتی ارائه می کردند، به طوری که قیمت ها در تمامی فصول سال و در سراسر کشور یکسان بودند. وقتی یارانه ها حذف شدند و بنگاه های نیمه دولتی، خصوصی شدند، این امر در وضعیت کشاورزان بزرگ نزدیک به بازارهای ملی تغییری ایجاد نکرد و این کشاورزان در شرایط بازاری خود تغییرات موثری را مشاهده نکردند. اما زمین داران کوچک و به ویژه آن هایی که در مناطق دور افتاده بودند، به شدت از نوسانات قیمت متاثر شدند. به علاوه، به دلیل به هم ریختگی ساختار و زیربنای حمل و نقل، بازارهای روستاهای دور افتاده غلات کاملاً ناپدید شدند و مزرعه داران فقیر بدون دریافت درآمدهای رسمی شان به حال خویش رها شدند. این قبیل حوادث می توانند مثال هایی برای اثرات ناشی از انواع مختلف آزادسازی به شمار آیند. در زیمبابوه، محدودیت های اولیه مشابه با مالیات بر صادرات بودند که قیمت های تولیدی را در سطح پایینی حفظ می کرد و مانع رقابت جویی می شد. حذف این مالیات ها منجر به افزایش سود و منفعت عرضه کنندگان خاص صادرات می شد. در زامبیا، محدودیت ها مشابه با تعرفه بر واردات بودند که این امر نیز سبب ارائه یارانه به تولیدکنندگان

داخلی تولیدات رقیب وارداتی (و یک مالیات روی مصرف کنندگان) می شود. حذف تعرفه / یارانه باعث کاهش عواید تولیدکنندگان تولیدات رقیب وارداتی و در نهایت نابودی تولیدات با صرفه و اقتصادی داخلی می شود. تمایز بسیار مهم میان این دو مورد، همان طور که وینترز اشاره کرد، این است که در زیمبابوه، صنعت آزادسازی منجر به خلق بازارهایی شد که افراد فقیر نیز می توانستند در آن مشارکت جویند و همچنین عملکرد و فعالیت بازارها را بهبود بخشید. اما در زیمبابوه این فرآیند باعث از بین رفتن کارآیی بازارها برای تولیدات افراد فقیر شد. در کل، از این مطالعه و سایر مطالعات استنباط می شود که در بیشتر موارد، اصلاحات تجاری درآمد افراد فقیر را به عنوان یک گروه افزایش می دهند، همچنین هزینه های انتقال معمولاً نسبت به منافع کلی، اندک هستند. با وجود این، مواردی وجود دارند که در آن ها اثرات کوتاه مدت آزادسازی روی افراد فقیر و سایرین منفی و معنی دار هستند. گرچه این اثرات منفی نمی توانند نادیده گرفته شوند، اما مهم است بدانید که در بسیاری از موارد، آن ها توسط الگوهای اولیه تعرفه های حمایتی تحت تاثیر واقع می شوند. همچنین شایان توجه است که در بیشتر مطالعات، دیدگاه های کوتاه مدت به گونه ای فرض می شوند تا در سرمایه گذاری یا مسیر رشد اقتصاد هیچگونه تغییری ایجاد نشود. اما بیشتر منافع مهم آزادسازی از منافع پویا مثل الگوهای بسیار موثر و کارآمد سرمایه گذاری و اشاعه فن شناختی منتج می شوند. به علاوه، آن ها اثرات سیاست های تکمیلی را در بر نمی گیرند تا به این وسیله بتوانند تعادل تجارت آزاد جدید را به سهولت تعدیل نمایند. بر پایه تمامی این دلایل، تحقیقات احتمالاً به طرز شگفت آوری در بیان هزینه های آزادسازی مبالغه می کنند و منافع آن را کم اهمیت جلوه می دهند.

در میان مدت، تغییر در سرمایه گذاری و رشد اقتصادی می تواند به طرز معنی داری اثرات توزیعی منفی ناشی از تغییر در قیمت ها را گسترش دهد که این امر از آزادسازی تجاری منتج می شود.

### درس هایی برای طرح اصلاحات تجاری

یک پرسش طبیعی که به نظر می رسد این است که آیا شیوه ای برای آزادسازی محدودیت های تجاری وجود دارد تا با افراد فقیر دوستانه تر باشد. اولین و آشکارترین پیشنهاد توجه کردن به شیوه آزادسازی و تأثیری است که این مهم می تواند بر آسیب پذیرترین اعضای جامعه بگذارد. در عمل، این به آن معناست که ابزارهای تشخیصی در حال توسعه می توانند به سیاستگذاران کمک کنند تا تشخیص دهند که احتمالاً چه کسانی از فرآیند آزادسازی تجاری زیان می بینند. برپایه این تحلیل، سیاست های جبرانی می توانند برای کمک به افراد فقیر و همچنین حل و فصل هزینه های انتقالی تعدیل و سود بردن از نظام جدید تجارت باز طرح ریزی شوند. به علاوه، اصلاح تجاری و سیاست های اقتصادی جبرانی می توانند به گونه ای اجرا شوند تا گرفتاری ها و بدبختی های افراد فقیر را بهبود بخشند.

### آزادسازی بر مبنای گسترده (همه جانبه)

اهمیت اجرای همه جانبه آزادسازی (کاهش موانع تجاری که بر تمامی جنبه ها یا دیدگاه ها تاثیر می گذارد) از تعدیل گسترده اقتصاد به آزادسازی تجاری استنباط می شود. فهم گسترده تر از فرآیند آزادسازی تجاری این است که بیشتر بخش های انفرادی یا گروهی (که افراد فقیر هم شامل آن می شوند) قادر خواهند بود تا از فرآیند آزادسازی نه تنها در عوامل تولید یا کالاهای مصرفی ارزان تر بلکه همچنین در اثرات گسترده اقتصاد مانند کاهش هزینه های حمل و نقل منفعت برند. به علاوه اگر

آزادسازی به صورت گسترده و همه جانبه اعمال شود، هزینه‌های تعدیل در میان بخش‌های مختلف وسیع‌تر منتشر خواهند شد.

که از آزادسازی صدمه دیده‌اند، کمک کند تا آن‌ها بتوانند در بخش‌های دیگری که از این فرآیند سود می‌برند، مشغول به کار شوند.

## انعطاف پذیری میزان ارز

انعطاف پذیری میزان ارز نه تنها باعث کاهش هزینه‌های ستانده شوک‌های روابط مبادله می‌شود بلکه همچنین به کشور کمک می‌کند تا بر صنعت آزادسازی تجاری نظارت داشته باشد. دستورالعمل‌های سیاست کلاسیک برای آزادسازی تجاری تحت یک نظام میزان ارز ثابت شده برای تضعیف پیشینه پولی، تنها در قبل و یا در ارتباط با اصلاحات می‌باشد. اگر دستمزدهای اسمی انعطاف‌ناپذیر باشند یعنی زمانی که تقاضا برای کار کاهش می‌یابد، دستمزدها تورش صعودی پیدا می‌کنند، انعطاف پذیری میزان ارز برای بر طرف ساختن شوک اصلاحات تجاری در سراسر اقتصاد از تعدیل آن‌ها بهتر است؛ زیرا در این شرایط تعدیل کاملاً از طریق افزایش بیکاری در آسیب پذیرترین صنایع اتفاق می‌افتد. این امر به ویژه برای افراد فقیری که به این صنایع وابسته هستند، حائز اهمیت است.

## اصلاحات تکمیلی

اصلاحات تجاری جدای از سایر اصلاحات نمی‌توانند در افزایش رشد اقتصادی موثر واقع شوند. اصلاحات تکمیلی، انعطاف پذیری بازارها را گسترش می‌دهد که این امر می‌تواند باعث کاهش هزینه‌های تعدیل شود و همچنین خلق بازارها را آسان می‌کند تا افراد فقیر از آن‌ها بهره‌مند شوند. برخی از اصلاحات بسیار مهم تکمیلی به شرح زیر مورد بحث قرار می‌گیرند:

### ۱. توسعه زیربنای اقتصاد

جاده سازی بهتر و حمل و نقل ارزان تر باعث می‌شوند تا افراد فقیر بهتر بتوانند برای فروش تولیداتشان به بازارهای اصلی دسترسی پیدا کنند و به آن‌ها اجازه می‌دهند تا از فرصت‌های ممکن ناشی از فرآیند آزادسازی تجاری بهره‌مند شوند.

### ۲. توسعه بازارها

توسعه بازار یعنی حذف نظارت دولت بر بازارها و همچنین حذف حقوق انحصارگری از قبیل حق انحصار تجاری دولت. زیرا این دو عامل، در صورت وجود، می‌توانند تاثیر نامطلوبی بر افراد فقیر بگذارند و یا مانع از این شوند که افراد فقیر به منافع صنعت آزادسازی دستیابی پیدا کنند. اما شاید مهمترین مزیت آن فرآیند برای افراد فقیر، کمک فنی، توسعه و گسترش خدمات کشاورزی و همچنین آموزش فعالیت‌های نوین تجاری است. زیرا، آن‌ها به این خدمات نیاز دارند تا بتوانند از مزایای ناشی از فرصت‌های بازار جدید بهره‌مند شوند. توسعه بازارهای اعتبار همچنین برای سهولت ارائه عوامل تولید مهم و به منظور تشویق فعالیت‌های بازاری روش حائز اهمیتی به شمار می‌آید.

## تحرک کار و آموزش

انعطاف‌ناپذیری در بازار کار می‌تواند همچنین برای افراد فقیر مشکلاتی به بار آورد، فرضاً حرکت به سمت سایر مشاغل، استفاده از فرصت‌های بازار جدید و به حداقل رساندن هزینه‌های آزادسازی تجاری. آموزش کارگران و سایر این عملکردها می‌تواند به افراد فقیر در بخش‌هایی

## توالی و قابلیت اعتبار

گرچه آزادسازی به طور گسترده و همه جانبه می‌تواند منافع قابل توجهی به وجود آورد. اما در کل ممکن است تعیین توالی و سلسله مراتب آزادسازی، در سرعت‌های متفاوت در سراسر بخش‌های اقتصاد برای اصلاح و بهبود هزینه‌های تعدیل لازم و ضروری باشد. در مواردی که آزادسازی بر قیمت‌ها تاثیر عمده‌ای دارد و یا تعدیل مشکل است و نیاز به وقت طولانی دارد، این مهم می‌تواند برای بخش‌ها یا بازارها به واقعیت مبدل شود. به علاوه، اصلاحات تجاری ممکن است به تدریج مرحله‌بندی شوند، اگر مردم برای تطبیق با محیط سیاست جدید نیاز به وقت بیشتری داشته باشند. برای مثال، تحت قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی (NAFTA)، بخش ذرت نسبت به سایر بخش‌ها طی یک دوره زمانی طولانی‌تر آزاد شد، آن‌هم تنها به دلیل اهمیت کشت و زرع ذرت برای افراد فقیر روستایی مکزیکی. یک شرط حائز اهمیت برای اجرای دوره‌های طولانی تعدیل به منظور آزادسازی بخش‌های حساس اقتصادی، تعهد دولت در قبال اصلاحات تجاری است که این مهم اغلب به واسطه ورود یا ثبت نام یک کشور در قراردادهای بین‌المللی (دریک یا چند منطقه) گسترش می‌یابد.

## شبکه‌های امنیت اجتماعی

اصلاحات تجاری حتی با بهترین طرح و برنامه ریزی، برندگان و بازندگانی دارند. به منظور برطرف ساختن اثرات نامطلوب ممکن ناشی از هزینه‌های انتقالی و هزینه‌های تعدیل کوتاه مدت بر افراد فقیر، کشورهای در حال توسعه نیاز به شبکه‌های امنیت اجتماعی با ساختار و عملکرد عالی دراند تا تنش میان اجرای اصلاحات تجاری و کاهش فقر فرونشاندن شود. آن‌ها همچنین باید به منظور تعدیل برخی اثرات نامطلوب، هزینه‌های بودجه‌ای را کمی کنند. این امر بر پایه یک سری مراحل مشارکتی ناشی از گزارشات راهبردی کاهش فقر برای کشورهای که از برنامه‌های حمایت شده بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برخوردار هستند، صورت می‌پذیرد. باتوجه به منافع بلندمدت و ریشه دار اصلاحات تجاری، عدم حضور سیاست‌های حمایتی مناسب نباید بیش از حد لزوم باعث به تاخیر انداختن آزادسازی تجاری شود، زیرا توالی و مرحله‌بندی اصلاحات می‌تواند به گونه‌ای طرح ریزی شوند تا هزینه‌های انتقالی برای افراد فقیر کاهش یابند.

پی نوشت ها:

\* منبع:

Geoffrey j. Bannister and kamau Thugge, *International Trade and Poverty Alleviation*, Finance and Development, December 2001.

۱- (فرصت‌های شغلی در نقطه دوم بهینه برپایه نظریه نقطه دوم بهینه) Second-best Theory.

2. Computable-General-Equilibrium (CGE).
3. Oxfam-institute of Development Studies, winters, 2000.
4. Parastatal Firms